

نکات کلیدی و جزوه درس تفسیر موضوعی قرآن کریم (مجموعاً ۵۱ صفحه)

مقدمه

"تفسیر" در لغت به معنای برگرفتن نقاب از چهره است.

قرآن یک چهره عمومی دارد که برای همه گشاده است، و نور مبین است. این چهره ها که در زبان احادیث "بطون" قرآن نامیده شده، بر همه کس تجلی نمی یابد.

ابن عباس، شاگرد هوشمند مکتب علی (ع) می گوید: "القرآن یفسره الزمان".

قرآن "یک واحد به هم پیوسته" و "مجموعه ای از هم ناگسسته" است، و مجموعاً نور و کلام مبین.

تفسیر قرآن به معنای واقعی از زمان پیامبر (ص) و به هنگام نزول نخستین آیات بر قلب پاکش آغاز گشت، اما به صورت یک "علم مدون" از زمان علی (ع) شروع شد.

قرآن کلان حق است و کلامش رنگ علم او، و علمش رنگ ذات او دارد و همه نامتناهی اند.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: "لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تُبْلَى عَرَائِبُهُ : شگفتی های قرآن هرگز تمام نمی شود و نوآوری های آن به کهنگی نمی گراید."

خطرناک ترین روش در تفسیر قرآن این است که به جای شاگردی در مکتب قرآن، ژست معلمی را در برابر این کتاب بزرگ آسمانی به خود بگیریم؛ یعنی به جای استفاده از قرآن بکوشیم افکار خود را بر قرآن تحمیل کنیم و نتیجه آن پرت شدن در بیراهه ها و راسخ تر شدن در اشتباهات است؛ چرا که این گونه بهره برداری از قرآن "تفسیر به رأی" است.

قرآن کریم در سوره آل عمران به آیات محکم و متشابه اشاره می کند.

واژه "محکم" در اصل از "احکام" به معنای ممنوع ساختن گرفته شده و به همین دلیل به موجودات پایدار و استوار، محکم می گویند؛ همچنین سخنان روشن و قاطع را محکم نامیده اند.

مراد از "محکمت" آیاتی است که مفهوم آن به قدری روشن است که جای گفتگو و بحث در آن نیست؛ همچون "قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ : بگو او است خدای یگانه."؛ "لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ : هیچ چیز همانند او نیست." "اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ : خداوند آفریننده و آفریدگار همه چیز است."؛ "لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ : سهم ارث پسر معادل سهم دو دختر است." (محکمت) در قرآن "آم الكتاب" نامیده شده؛ بدین معنا که اصل، مرجع، مفسر و توضیح دهنده آیات دیگر است.

"متشابه" در اصل به معنای چیزی است که قسمت های مختلف آن شبیه یکدیگر باشد، متشابهات قرآن آیاتی است که معنای آن در بدو نظر پیچیده است و در آغاز، احتمالات متعددی در آن می رود، اگرچه با توجه به آیات محکم، تفسیر آنها روشن است.

بخش اول) اوصاف و ویژگی های قرآن

دلایل حقانیت قرآن عبارت است از:

وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ. این آیات به عظمت قرآن و حقانیت کلام مبین الهی اشاره می کند.

۱. این کتاب از سوی رب العالمین نازل شده، و این خود نشانه اعجاز قرآن است. فرشته وحی در اینجا با دو عنوان توصیف شده: روح و امین؛ روحی که سرچشمه حیات، و امانتی که شرط اصلی هدایت و رهبری است.
۲. خدا می فرماید: این روح الامین " قرآن را از سوی پروردگار بر قلب تو نازل کرد تا مردم را اندازد کنی".
۳. برای اینکه جای هیچ گونه عذر و بهانه ای باقی نماند، آن را " به زبان عربی آشکار نازل کرد".

یکی از معانی "عربی" فصاحت و بلاغت است؛ چنانچه راغب اصفهانی می نویسد: "عربی سخن فصیح و آشکار را گویند." در این صورت هدف بر صراحت قرآن و روشنایی مفاهیم آن است، در سوره فصلت نیز آمده است: اگر این قرآن را گنگ و مبهم نازل می کردیم، می گفتند چرا آیاتش روشن و مشروح بیان نشده است. در اینجا "اعجمی" به معنای کلام غیرفصیح است.

۴. "وصف این کتاب در کتب پیشینیان نیز آمده است و از ظهور آن در آینده بشارت داده اند: وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ."

به ویژه در تورات موسی، ایمان دو قبیله اوس و خزرج به پیامبر اسلام (ص) بر اثر پیش بینی های علمای یهود از ظهور این پیامبر و نزول این کتاب آسمانی بود.

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ..... :

این آیات به اهمیت و عظمت قرآن و تأثیر عمیق آن در هدایت و تربیت بشر اشاره کرده است.

خدا به کسانی که در راه تحصیل رضای خدا گام می نهند، نوید می دهد که در پرتو قرآن سه نعمت بزرگ بدانها داده می شود: ۱. هدایت به جاده های سلامت - سلامت فرد، اجتماع، روح و جان، خانواده و اخلاق - است که همه آنها جنبه علمی دارد. ۲. خارج ساختن انسان از ظلمت های کفر و بی دینی به سوی نور ایمان می باشد که جنبه اعتقادی دارد. ۳. هدایت به کوتاه ترین و نزدیک ترین راه که "صراط مستقیم" است.

این نعمت ها نصیب کسانی می شود که از در تسلیم و حق جویی درآیند و مصداق "مَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ" باشند. همه این آثار از اراده حتمی خداوند سرچشمه می گیرد که با کلمه "يَاذَنِهِ" به آن اشاره شده است.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا..... :

"برهان" از ماده بره (بر وزن فرح) به معنای سفید شدن است و از آنجا که استدلال های روشن چهره حق را برای شنونده نورانی، آشکار و سفید می کند به آن، برهان گفته می شود. منظور از برهان در این آیه شخص پیامبر (ص) و مراد از نور، قرآن مجید است.

خدا نتیجه پیروی از این برهان و نور را چنین شرح می دهد: به زودی در رحمت و اسعه خود وارد خواهد کرد و از فضل و رحمت خویش بر پاداش آنها خواهد افزود و به صراط مستقیم و راه راست هدایتشان می کند.

بخش دوم) دعا و نیایش

نیازمندی های زندگی، وحشت از تنهایی و گرایش فطری به خیر مطلق، همه زمینه های ارتباط درونی و زبانی و عرض نیاز انسان ها به کمال بی انتها و آفریدگار هستی اند.

خدا خطاب به پیامبر می گوید: " هنگامی که بندگانم از تو درباره من سؤال کنند، بگو من نزدیکم: نزدیک تر از آنچه تصور کنید؛ نزدیک تر از شما به خودتان و "نزدیک تر از شریان گردن هایتان".

در این آیه کوتاه هفت مرتبه به ذات پاک خود اشاره می کند و هفت بار به بندگان، و از این راه نهایت پیوستگی، قرب و محبت خود به آنان را نشان داده است!

عبدالله بن سنان از قول امام صادق (ع) می گوید: دعا کنید بخشش خداوند و وسیله رسیدن به هر حاجت است.

فلسفه دعا : دعا عامل تدخیر است؛ یعنی مردم به جای فعالیت و استفاده از وسایل پیشرفت به سراغ دعا می روند. انسان برای تقویت اراده و برطرف کردن ناراحتی ها به تکیه گاهی احتیاج دارد و این دعاست که چراغ امید را در انسان روشن می سازد. مردمی که دعا و نیایش را فراموش کنند، با واکنش های نامطلوب روانی و اجتماعی روبه رو خواهند شد.

به تعبیر یکی از روانشناسان: فقدان نیایش در میان ملتی برابر با سقوط آن ملت است. اجتماعی که احتیاج به نیایش را در خود کشته است، معمولاً از فساد و زوال مصون نخواهد بود.

دعا، در برابر نارسایی ها و بن بست هاست، نه عاملی به جای عوامل طبیعی.

پاسخ این ایراد که دعا برخلاف رضا و تسلیم است این است که دعا نوعی کسب قابلیت برای به دست آوردن سهم زیادتر از فیض بی پایان پروردگار است. کوشش برای تکامل و کسب شایستگی بیشتر، همان تسلیم در برابر قوانین آفرینش است.

دعا نوعی عبادت و خضوع و بندگی است و انسان به وسیله آن توجه تازه ای به ذات خداوند می یابد.

کسانی که دعا را دخالت در کار خدا می دانند توجه ندارند که مواهب الهی برحسب استعدادها و لیاقت ها تقسیم می شود؛ امام صادق (ع) می فرماید: در نزد خداوند مقاماتی است که بدون دعا کسی به آن نمی رسد.

امروز جدیدترین علم، یعنی روان پزشکی همان چیزهایی را تعلیم می دهد که پیامبران تعلیم می دادند. پزشکان روانی دریافته اند که دعا و نماز و داشتن ایمان محکم به دین، نگرانی و هیجان و ترس را که موجب بسیاری از ناراحتی های ماست، برطرف می سازد.

دعای مستجاب دعایی است که به هنگام اضطرار و عقیم ماندن تمام تلاش ها انجام گیرد. مفهوم دعا درخواست فراهم شدن اسباب و عواملی است که از دایره قدرت انسان بیرون باشد.

نوع دیگری از دعا هست که حتی در موارد قدرت و توانایی نیز انجام می گیرد و آن دعایی است که نشان دهنده عدم استقلال قدرت ما در برابر قدرت پروردگار است.

بخش سوم) نماز و تفسیر قرآن - گفتار اول: نماز

یکی از اصولی که قرآن کریم پس از ایمان به غیب مطرح ساخته، به پاداشتن نماز است. در دین مبین اسلام نماز به عنوان عبادت برتر، عامل مؤثر نجات انسان از غوطه ور شدن در آلودگی ها و منشأ مهم خودسازی فرد و جامعه معرفی شده است.

فَإِذَا قُضِيَتْمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا. :

به دنبال دستور نماز خوف و لزوم به پاداشتن نماز حتی در حال جنگ در آیه ۱۰۲ سوره نساء، می فرماید: "پس از اتمام نماز، یاد خدا را فراموش نکنید و در حال ایستادن و نشستن و زمانی که بر پهلو خوابیده اید، به یاد خدا باشید و از او کمک بجویید.

منظور از یاد خدا در حال قیام و قعود و برپهلو خوابیدن، ممکن است همان حالات استراحت در فاصله هایی باشد که در میدان جنگ واقع می شود.

نماز دستوری انضباطی است که روح توجه به پروردگار را در انسان زنده می کند. آیه فوق در روایات متعددی به کیفیت نماز گزاردن بیماران تفسیر شده که سر این همه سفارش و دقت درباره نماز را چنین بیان می دارد: " زیرا نماز وظیفه ای ثابت برای مؤمنان است". کلمه "موقوت" از ماده "وقت" است.

فلسفه و اسرار نماز :

۱. بازدارندگی از زشتی ها و بدی ها :

از آنجا که نماز انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده، یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد می اندازد، دارای اثر بازدارندگی از فحشا و منکر است.

در برخی روایات از اثر بازدارندگی از فحشا و منکر نماز به عنوان معیار سنجش نماز مقبول و غیر مقبول یاد شده؛ چنانکه امام صادق (ع) می فرماید:

کسی که دوست دارد ببیند آیا نمازش مقبول درگاه الهی شده یا نه، باید ببیند آیا این نماز او را از زشتی ها و منکرات بازداشته یا نه. به همان مقدار که بازداشته، نمازش قبول است.

۲. یاد خدا :

"ذکر خدا برتر و بالاتر از بازدارندگی از فحشا و منکر است". یاد خدا مایه حیات قلوب و آرامش دلهاست. روح همه عبادات ذکر خداست. در سوره طه نیز خطاب به موسی (ع) به این فلسفه اساسی نماز اشاره شده: "أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي: نماز را برپا دار تا به یاد من باشی."

۳. خشوع و رستگاری :

بخش سوم) نماز و تفسیر قرآن - گفتار دوم: تفسیر سوره حمد

ویژگی ها و مزایای سوره حمد عبارت است از:

۱. آهنگ سوره حمد :

سوره های دیگر همه به عنوان سخن خداست، اما این سوره از زبان بندگان است و خداوند طرز مناجات و سخن گفتن با او را به بندگان آموخته است. این سوره با حمد و ستایش پروردگار شروع و با ابراز ایمان به مبدأ و معاد ادامه با تقاضاها و نیازهای بندگان پایان می گیرد. این سوره حمد تبلوری است از ارتباط نزدیک و بی واسطه خدا با انسان، و مخلوق با خالق.

۲. سوره حمد، اساس قرآن :

پیامبر (ص) سوره حمد را - که أمُّ الْکِتَابِ است - به جابر آموخت و سپس فرمود: این برترین سوره ای است که خدا در کتابش نازل کرده این سوره شفای هر دردی است، مگر مرگ."

سوره حمد در حقیقت فهرستی است از مجموع محتوای قرآن شامل توحید و شناخت صفات خدا و معاد و رستاخیز، هدایت و ضلالت، حاکمیت مطلق پروردگار و مقام ربوبیت و نعمت های بی پایانش که به دو بخش عمومی و خصوصی (بخش رحمانیت و رحیمیت) تقسیم می گردد، مسئله عبادت و بندگی و اختصاص آن به ذات پاک او. سوره حمد مراحل سه گانه ایمان، یعنی "اعتقاد به قلب، اقرار به زبان و عمل به ارکان" را دربردارد.

از پیامبر (ص) نقل شده است: هر مسلمانی سوره حمد را بخواند، پاداش او به اندازه کسی است که دو سوم قرآن را خوانده است و گویی به هر فردی از مردان و زنان مؤمن هدیه ای فرستاده است.

بخشی از قرآن توجه به خداست و بخشی توجه به رستاخیز و بخش دیگر نیز احکام و دستورات است که بخش اول و دوم در سوره حمد آمده است. قرآن را از یک نظر در ایمان و عمل می توان خلاصه کرد که این هر دو در سوره حمد جمع است.

۳. سوره حمد افتخار پیامبر (ص) :

در آیات قرآن سوره حمد موهبتی بزرگ به پیامبر (ص) معرفی شده و در برابر کل قرآن قرار گرفته است؛ آنجا که می فرماید: "وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ. ما به تو سوره حمد - که هفت آیه است و دو بار نازل شده - دادیم و همچنین قرآن بزرگ را بخشیدیم."

از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمود: خداوند بزرگ به خاطر دادن سوره حمد بالخصوص بر من منت نهاده و آن را در برابر قرآن عظیم قرار داده، و سوره حمد با ارزش ترین ذخایر گنج های عرش خداست.

۴. تأکید بر تلاوت این سوره :

بخش سوم) نماز و تفسیر قرآن - گفتار سوم: تفسیر سوره توحید

در شأن نزول سوره توحید از امام صادق (ع) نقل شده است: یهود از رسول الله (ص) تقاضا کردند خداوند را برای آنها توصیف کند. پیامبر (ص) سه روز سکوت کرد و پاسخی نگفت، تا این سوره نازل شد و پاسخ آنها را بیان کرد.

پیامبر فرمودند: برای اینکه یک سوم قرآن را در یک شب بخوانید، سوره قل هو الله را بخوانید.

در حدیثی از امام صادق (ع) نیز می‌خوانیم: هنگامی که رسول خدا (ص) بر جنازه سعد بن معاذ نماز گزارد به نقل از جبرئیل درباره علت اینکه هفتاد هزار ملک که در میان آنها «جبرئیل» نیز بود، بر جنازه او نماز گزارند. گفت: به خاطر تلاوت «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» در حال نشستن، ایستادن، سوار شدن، پیاده روی و رفت و آمد. کسی که یک روز و شب بر او بگذرد و نمازهای پنج‌گانه را بخواند و در آن قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را بخواند به او گفته می‌شود: ای بنده خدا، تو از نمازگزاران نیستی.

در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: هر کس سوره توحید را بخواند خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او جمع می‌کند و خودش و پدر و مادر و فرزندان را می‌آمزد.

خواندن این سوره به هنگام ورود به خانه روزی را فراوان می‌کند و فقر را دور می‌سازد.

چگونه سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ» معادل یک سوم قرآن است؟ قرآن مشتمل بر احکام، عقاید و تاریخ است و این سوره بخش «عقاید» را به طور فشرده بیان می‌کند. تقریباً یک سوم قرآن درباره توحید بحث می‌کند و عصاره آن در سوره توحید آمده است.

آغاز جمله در سوره توحید با ضمیر «هو» در واقع رمز و اشاره ای است به این واقعیت که ذات مقدس او در نهایت خفاست و از دسترس افکار محدود انسان‌ها بیرون. معنای «قل» (بگو) در اینجا این است که این حقیقت را اظهار کن. واژه «احد» از همان ماده «وحدت» است. «احد» و «واحد» هر دو اشاره به آن ذاتی است که از هر نظر بی نظیر و منفرد می‌باشد. در قرآن مجید نیز «واحد» و «احد» هر دو به ذات پاک خداوند اطلاق شده است.

صمد به معنای آقا و بزرگی است که برای انجام کارها به سوی او می‌روند؛ صمد به معنای چیزی که تو خالی نیست، بلکه پر است؛ صمد دو ریشه اصلی دارد: یکی در معنای «قصد» است و دیگری به معنای «صلابت و استحکام» و اینکه به خداوند صمد گفته می‌شود، از این روست که بندگانش قصد درگاه او می‌کنند.

امام حسین (ع) در حدیثی برای «صمد» پنج معنا برشمرده است: صمد کسی است که در منتهای سیادت و آقایی است؛ صمد ذاتی است دائم ازلی و جاودانی؛ صمد وجودی است که جوف ندارد؛ صمد کسی است که نمی‌خورد و نمی‌آشامد؛ صمد کسی است که نمی‌خوابد.

آن حضرت در پاسخ مردم بصره که از معنای صمد پرسیده بودند، فرمود: خداوند خودش «صمد» را تفسیر فرموده است: نه زاد، و نه زاده شد و احدی مانند او نیست.

برخی با استفاده اکتشاف علمی هسته مرکزی و الکترون‌های اتم نتیجه گرفته اند که قرآن می‌خواهد با این تعبیر هر گونه جسمانی را از خدا نفی کند. بدین ترتیب این آیه می‌تواند یکی از معجزات علمی قرآن باشد.

بخش سوم) نماز و تفسیر قرآن - گفتار چهارم: تفسیر سوره قدر

از پیامبر اکرم(ص) نقل شده: هر کس سوره قدر را تلاوت کند، مانند کسی است که ماه رمضان را روزه گرفته و شب قدر را احیا داشته است.

در حدیثی دیگر از امام باقر(ع) می‌خوانیم: کسی که سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را بلند و آشکار بخواند، مانند کسی است که در راه خدا شمشیر کشیده و جهاد می‌کند و کسی که به طور پنهان بخواند، مانند کسی است که در راه خدا به خون آغشته شده است.

ضمیر «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» به قرآن باز می‌گردد و این ابهام ظاهری برای بیان عظمت و اهمیت آن است. تعبیر به «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» اشاره به عظمت کتاب آسمانی(قرآن) است به ویژه با صیغه «متکلم مع الغیر». از سویی نزول آن در شب قدر نیز دلیل دیگری بر سرنوشت ساز بودن این کتاب بزرگ آسمانی است.

قرآن دارای دو نزول بوده است: نزول دفعی که در یک شب، تمام آن بر قلب پاک پیامبر(ص) یا بیت المعمور یا از لوح محفوظ به آسمان دنیا نازل گردید و نزول تدریجی که در طول ۲۳ سال دوران نبوت انجام گرفت.

درباره نازل شدن قرآن، در برخی آیات تعبیر به «انزال» و در پاره ای دیگر تعبیر به «تنزیل» شده است. تنزیل معمولاً در جایی گفته می‌شود که چیزی به تدریج نازل گردد، ولی انزال مفهوم وسیع تری دارد که نزول دفعی را نیز شامل می‌گردد. این تفاوت تعبیر که در آیات قرآن آمده می‌تواند اشاره به این دو نزول باشد.

عظمت شب قدر به قدری است حتی پیامبر اکرم(ص) با آن علم وسیع خود، پیش از نزول این آیات بدان آگاهی نداشته است.

روایات نشان می‌دهد عدد هزار برای تعداد است.

«تَنْزَلُ» روشن می‌شود که شب قدر به زمان پیامبر اکرم(ص) و نزول قرآن مجید اختصاص نداشته، بلکه امری است مستمر و شبی است مداوم که در هر سال تکرار می‌شود.

منظور از «روح» کیست؟ برخی گفته اند جبرئیل امین، پاره ای نیز به معنای وحی تفسیر کرده اند.

امام صادق(ع) فرمود: جبرئیل از ملائکه است و روح، اعظم از ملائکه است.

منظور از «مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ» این است که فرشتگان برای تقدیر و تعیین سرنوشت ها و آوردن هر خیر و برکتی در آن شب نازل می‌شوند و هدف از نزول آنها انجام این امورست یا اینکه هر امر خیر و هر سرنوشت و تقدیری را با خود می‌آورند.

تعبیر به «رَبِّهِمْ» که در آن بر مسئله ربوبیت و تدبیر جهان تکیه شده، با کار این فرشتگان تناسب نزدیکی دارد و کار آنها نیز گوشه ای از ربوبیت پروردگار است.

بر اساس برخی روایات در شب قدر شیطان در زنجیر است و از این نظر نیز شبی است سالم و توأم با سلامت.

بخش چهارم) روابط اجتماعی

عبادت خداوند و پرهیز از شرک ورزیدن نسبت به او از جمله حقوق خداوند بر انسان است. هر فرد باید همه ارتباط های خود با سایر افراد را بر اساس دو اصل «قسط و عدالت» و «احسان» مبتنی سازد.

برخی از پیام های اجتماعی قرآن کریم عبارت است از: رعایت حقوق اسلامی، برقراری پیوندهای خویشاوندی، مشارکت ورزی، خیرخواهی، عدالت ورزی، توجه به جامع ترین برنامه اجتماعی.

حقوق اسلامی از منظر قرآن :

۱. پرستش خدا و شریک قرار ندادن برای او : عبادت و بندگی پروردگار و ترک شرک و بت پرستی ریشه اصلی تمام برنامه های اسلامی است. دعوت به توحید و یگانه پرستی، روح را پاک، نیت را خالص، اراده را قوی و تصمیم را محکم می سازد.

۲. احسان به والدین : این مسئله در چهار مورد از آیات قرآن، بعد از توحید قرار گرفته است. چرا که بزرگترین نعمت، نعمت هستی و حیات است. که در درجه اول از ناحیه خداست و در مراحل بعد به پدر و مادر بازمی گردد. ترک حقوق پدر و مادر، هم دوش شرک به خداست.

۳. نیکی به خویشاوندان : «وَبِذِي الْقُرْبَىٰ». در قرآن تأکید فراوان درباره آن شده است، گاه از آن به عنوان «صله رحم»، و گاه نیز به عنوان «احسان و نیکی» به آنها.

۴. نیکی به یتیمان : نیکی در حق یتیمان نیکی به فرد و اجتماع است.

۵. دستگیری از مستمندان.

۶. رعایت حقوق همسایگان نزدیک : «وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ»

۷. رعایت حقوق همسایگان دور : «وَالْجَارِ الْجُنُبِ». طبق پاره ای از روایات تا چهل خانه از چهار طرف، همسایه محسوب می شوند. حق جوار(همسایگی) در اسلام، غیر مسلمانان را نیز شامل می شود(مگر آنهایی که با مسلمانان سر جنگ داشته باشند). در وصایای معروف امیرمومنان(ع) می خوانیم: آن قدر پیامبر(ص) درباره همسایه سفارش کرد که ما فکر کردیم شاید دستور دهد همسایگان از یکدیگر ارث ببرند. در حدیثی از پیامبر(ص) نقل شده که در یکی از روزها سه بار فرمود: چنین کسی ایمان ندارد که همسایه او از مزاحمت او در امان نیست.

امام صادق(ع) نیز می فرماید: نیکی کردن همسایگان به یکدیگر، خانه ها را آباد و عمرها را طولانی می کند.

۸. حسن معاشرت با دوستان و دیگران : «وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ». هر کسی را که به نوعی با انسان نشست و برخاست داشته باشد، در بر می گیرد، خواه دوست دائمی باشد یا دوست موقت. اعم از دوستان واقعی، همکاران، همسفران، مراجعان، شاگردان، مشاوران و خدمتگزاران.

بخش پنجم) ازدواج

تشکیل نهاد خانواده پله نخست نردبان رسیدن انسان به کمال است.

حدیث معروف پیامبر(ص): ازدواج کنید تا نسل شما فزونی گیرد که من به فزونی جمعیت شما- حتی با فرزندان سقط شده- در قیامت به دیگر امت ها مباحثات می کنم. در حدیث دیگری از آن حضرت می خوانیم: کسی که همسر اختیار کند، نیمی از دین خود را محفوظ داشته و باید مراقب نیم دیگر باشد.

غریزه جنسی نیرومندترین و سرکش ترین غرایز انسان است. در حدیث دیگری از پیامبر(ص) می خوانیم: «شِرَارُكُمْ عَزَابُكُمْ: بدترین شما مجردان اند.» در حدیثی از پیامبر(ص) آمده است: کسی که فرزندش به حد رشد رسد و امکانات تزویج او را داشته باشد و اقدام نکند و در نتیجه فرزند مرتکب گناهی شود، این گناه بر هر دو نوشته می شود. در حدیثی از پیامبر اکرم(ص) می خوانیم: «شَوْمُ الْمَرْأَةِ غِلَاءُ مَهْرِهَا: زن بد قدم زنی است که مهرش سنگین باشد.»

قرآن به صراحت می گوید که «فقر» نمی تواند مانع راه ازدواج گردد، بلکه چه بسا ازدواج سبب غنا و بی نیازی می شود و خدا آنها را از فضل خود بی نیاز می سازد چرا که خداوند واسع و علیم است.

امام صادق(ع) می فرماید: «الرِّزْقُ مَعَ النِّسَاءِ وَ الْعِيَالِ: روزی، همراه همسر و فرزند است.»

پیامبر اسلام(ص) می فرماید: کسی که ازدواج را از ترس فقر ترک کند، گمان بد به خدا برده است.

رهبانیت در آیین مسیح نبوده و پیروانش آن را بعد از او ابداع کردند، ولی در آغاز نوعی زهدگرایی و از ابداعات نیک محسوب می شد، ولی این سنت بعدها به انحراف گرایید و آلوده با اموری مخالف فرمان الهی و حتی گناهان زشتی شد. قرآن از «رهبان ها» و «عالمان» مسیحیان راستین با نظر موافق و مثبت یاد می کند.

«رهبانیت» از ماده «رهبه» به معنای خوف و ترس است که در اینجا منظور خوف و ترس از خدا می باشد، و به گفته راغب اصفهانی ترسی است که آمیخته با پرهیز و اضطراب باشد. «ترهیب» به معنای «تعبد» و عبادت کردن و «رهبانیت» نیز به معنای شدت تعبد است.

از جمله بدعت های زشت مسیحیان در زمینه رهبانیت، «تحریم ازدواج» برای مردان و زنان تارک دنیا بود و دیگر «انزوی اجتماعی» و پشت پا زدن به وظایف انسان در اجتماع و انتخاب صومعه ها و دیرهای دورافتاده برای عبادت و زندگی در محیطی دور از اجتماع بود.

زهد اسلامی که به معنای ساده زیستی و حذف تجملات و وابسته نبودن به مال و مقام است، هیچ ارتباطی به مسئله رهبانیت ندارد؛ رهبانیت معنای جدایی و بیگانگی از اجتماع است و زهد به معنای آزادگی و وارستگی به خاطر اجتماعی تر زیستن است.

رسول خدا(ص) فرمود: رهبانیت امت من جهاد در راه خداست. پیامبر(ص) درباره فضیلت نماز جماعت سخنانی بیان فرمود که تأییدی بر نفی رهبانیت و انزواست.

بخش ششم) روابط اقتصادی

تامین هزینه دولت اسلامی از راه های مختلفی است که خمس و زکات دو نمونه آن است.

من ذالذی یقرض الہ قرضاً حسناً فیضعفه اضعافاً کثیره... :

شأن نزول این آیه مربوط به صدقه دادن توسط ابوالد انصاری است. وام دادن به خداوند به معنای (انفاق فی سبیل الله) است، انفاق در راه خدا و کمک به نیازمندان و حمایت از محرومان، همان کار جهاد می کند زیرا هر دو مایه استقلال و سربلندی جامعه اسلامی است،

اضعاف جمع ضعف بر وزن بشعر به معنای دو یا چندبرابر کردن چیزی است و چون این واژه به صورت جمع در آیه آمده و با کلمه کثیره تاکید شده و از سویی جمله یضعاف نیز تاکید بیشتری را از (یضعف) می رساند. استفاده می شود که خداوند برای انفاق کنندگان پاداش بسیار فراوانی قرار داده است. خداوند روزی بندگان را محدود و گسترده می کند و همه شما به سوی او باز می گردید. اشاره به اینکه گمان نکنید انفاق و بخشش اموال شما را کم می کند. بلکه با توجه به ارتباط و هم پیوستگی افراد اجتماع با یکدیگر همان اموال در واقع به شما باز می گردد.

چرا از انفاق تعبیر به قرض وام دادن به پروردگار شده است؟ این نهایت لطف خداوند نسبت به بندگان را از یک سو و کمال اهمیت مساله انفاق از سوی دیگر می رساند. انسانها به عنوان نمایندگی خداوند تنها در بخش کوچکی از آن تصرف می کنند،

امام علی میفرماید: خداوند از شما درخواست قرض کرده، در حالی که گنجهای آسمان و زمین از آن اوست و بی نیاز و ستوده، بلکه می خواهد شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید. این آیه به پیامبر دستور می دهد از اموال آنها صدقه بگیر: خذ من اموالهم صدقه

کلمه (من) که برای بیان (تبعیض) است نشان می دهد زکات همواره از مال را تشکیل می دهد نه همه آن و نه قسمت عمده آن را. سپس به دو قسمت از فلسفه اخلاقی، روانی و اجتماعی زکات اشاره کرده، می فرماید: تو با این کار آنها را پاک می کنی و نمو می دهد: تطهرهم و تزکیهم بها

همبستگی اجتماعی و پیشرفت اقتصادی در سایه زکات تامین می گردد. حکم زکات هم پاک کننده است فرد و اجتماع است هم نمو دهنده بذره های فضیلت در افراد و هم سبب پیشرفت جامعه و این رساترین تعبیری است که درباره زکات می توان گفت، از یک سو الودگی ها را می شوید و از سوی دیگر تکامل آفرین است.

تطهرهم، تزکیهم ظاهر تر این است که فاعل در هر دو شخص پیامبر می باشد سپس می افزاید: هنگامی که آنها زکات می پردازند، برای آنها دفاع کن و به آنها درود فرست: و صل علیهم. این دعا و درود تو مایه آرامش خاطر آنهاست. نوعی آرامش روحی و فکری، این دستور به عنوان حکمی مستحب در برنامه های اسلامی، بیانگر عمق جنبه های انسانی در این دستورهاست.

گیرنده زکات و صدقات یا پیامبر(ص) و امام و پیشوای مسلمین است و یا افراد مستحق، و در هر صورت خداوند این صدقات را می گیرد. این تعبیر یکی از لطیف ترین تعبیراتی است که گیرنده زکات خداست. در حدیثی از امام سجاد(ع) آمده است:

بخش هفتم) جهان های دیگر- گفتار اول: عالم ملکوت, جن, فرشتگان و جنین

جهان مادی طبیعت که باحواس ظاهری قابل درک است از ان به عالم شهود تعبیر می شود، جهان دیگری که با قوای روحی و عقلانی انسان و یا گزارش وحی شناخته می شود در حوزه درک حواس ظاهری و ملموس مانیت از ان به جهان غیب تعبیر می گردد.

ملکوت در اصل از ریشه(ملک) به معنای حکومت و مالکیت است و اضافه واو، ت بر ان نیز تاکید و مبالغه می باشد و معمولاً به حکومت مطلقه خداوند بر سراسر عالم هستی گفته می شود.

بت پرستان در برابر دعوت انان به سوی توحید و یکتاپرستی، تهمت جنون بر پیامبر اکرم می بستند.

هدفی برای فرینش عالم بوده و دعوت پیامبر در حقیقت دنباله همان هدف افرینش، یعنی تکامل و تربیت انسان است. نظر افکندن در نظام شگرف این عالم نیروی خداپرستی و ایمان به حق را تقویت می کند و هم روشنگر وجود هدفی مهم در این عالم بزرگ و منظم است انسان را به جستجوی نماینده خدا و رحمتی که بتواند هدف افرینش را پیاده کند می فرستند.

جن، موجودی است ناپیدا که برای او مشخصات زیادی در قران ذکر شده از جمله:موجودی است که از شعله اتش خلق شده- دارای علم و ادراک و تشخیص حق از باطل و منطق و استدلال است،ایات سوره جن- دارای تکالیف و مسولیت است (ایات سوره جن والرحمن)- گروهی از انها مومن صالح و گروهی کافرند(انا منا الصالحون و منا دون ذلك)- انها دارای حشر و نشرو معادند(اما القاسطون فکانو لجهنم حطباً)- انها قدرت نفوذ در اسمان ها و خبرگیری استراق سمع داشتند اما بعد ها ممنوع شد.. انها با برخی انسانها ارتباط برقرار می کردند و باگاهی محدودی که نسبت به بعضی از اسرار نهانی داشتند به اغوای انسان ها می پرداختند- در میان انها افرادی یافت می شوند که از قدرت زیادی برخوردارند.- انها می توانند برخی کارهای مورد نیاز انسان را انجام دهند- خلقت انها در روی زمین قبل از خلقت انسانها بوده است،

جنها نیز به پیامبر اسلام که از نوع بشر بوده ایمان آورده اند و از او تبعیت می کردند واجب شدن سجده بر شیطان در برابر آدم، که بنا بر تصریح قران ان روز از(بزرگان) طایفان جن بود ، دلیلی بر فضیلت نوع انسان برجن است.جن گاه بر مفهومی وسیع تر اطلاق می شود که انواع موجودات ناپیدا را شامل می گردد اعم از انهایی که دارای عقل و درک اند وانهایی که عقل و درک ندارند حتی گروهی از حیواناتی که با چشم دیده می شوند و معمولاً در لانه ها پنهان اند،

پیامبر اکرم می فرماید: خداوند جن را ۵ صفت آفریده است: مانند باد در هوا ناپیدا هستند، و صنفی به صورت مارها و صنفی به صورت عقربها و صنفی حشرات زمین، و صنفی از انها مانند انسان اند که بر انها حساب و عقاب است.

برخی روایات از امام علی(ع) می خوانیم: از قسمت شکسته ظرف و طرف دستگره ان اب نخورید زیرا شیطان روی دستگیره و قسمت شکسته می نشیند.

از انجا که شیطان از جن است، بعید به نظر نمی رسد که جن و شیطان به مفهوم عام میکروبها را نیز شامل می شود.

بخش هفتم) جهان های دیگر- گفتار دوم: عالم مرگ و خواب

و راواهی را که نمرده اند نیز به هنگام خواب میگیرد: و التی لم تمت فی منامها. بدین ترتیب خواب برادر مرگ است.

روح نسبت به بدن دارای سه حالت است: ارتباط تام (حالت حیات و بیداری)- ارتباط ناقص (حالت خواب)- قطع ارتباط به طور کامل (حالت مرگ)

خواب چهره ضعیفی از مرگ و است و مرگ نمونه کاملی از خواب.

خواب از دلایل استقلال و اصالت روح است به ویژه هنگامی که با روپا آن هم رویای صادقانه توأم باشد و این معنا روشن تر می شود.

انسان همه شب به هنگام خواب، در استانه مرگ قرار می گیرد درس عبرتی است که اگر در آن بیندیشد، برای بیداری او کافی است.

نوح اولین پیامبر اولوالعزم ، محتوای دعوت خود را در سه جمله خلاصه کرد: پرستش خدای یکتا، رعایت تقوا و اطاعت از قوانین و دستورهایی که او از سوی خدا آورده و مجموعه ای از عقاید، اخلاق و احکام بود.

اجل و سررسید عمر انسان دو گونه است : اجل مسمی: یا به تعبیر دیگر اجل ادنی، و اجلاقصی (دورتر) و یا اجل معلق، (مشروط) اجل حتمی، قسم اول سررسیدی است که قابل تغییر و دگرگونی است و بر اثر اعمال نادرست انسان ممکن است بسیا ر جلو بیفتد، که عذابهای الهی یکی از آنهاست. و به عکس بر اثر تقوا و نیکوکاری و تدبیر ممکن است بسیار عقب افتد. ولی اجل و سر رسید نهایی به هیچ رو قابل دگرگونی نیست.

خدا می فرماید: اگر ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید خدا به شما عمر طولانی می دهد و مرگ شما را به تاخیر می اندازد.

در حدیثی از امام صادق(ع) می خوانیم: آنها که بر اثر گناهان می میرند بیش از آنها هستند که به مرگ الهی از دنیا می روند و کسانی که بر اثر نیکوکاری عمر طولانی پیدا میکنند بیش از کسانی هستند که بر اثر عوامل طبیعی عمرشان زیاد می شود.

قرآن خطاب به جمعی از منافقان در صفوف مسلمانان جای گرفته بودند اما از شرکت در میدان جهان وحشت داشتند و هنگامی که دستور جهاد صادر گردید ناراحت شدند. در پاسخ میگوید: یکی اینکه قل متاع الدینا قلیل و الاخره خیر لمن اتقی: بگو زندگی زود گذر است و پادشاهی جهان دیگر برای پرهیزکاران بهتر. دوم اینکه فرار از مرگ چه سودی می تواند برای شما داشته باشد، در حالی که در هر کجا باشید، مرگ به دنبال شما می شتابد و بالاخره روزی شما را در کام خود فرو خواهد برد، حتی اگر در برجهای محکم باشید: اینما تکونوا یدرککم الموت و لو کنتم فی بروج مشیده.

در آیات متعددی از قرآن مجید از مرگ تعبیر به یقین شده است، واژه یدرککم بدین معناست که کسی از چیزی فرار کند و ان به دنبالش بدود، در سوره جمعه نیز بیان شده است: فانه ملائیکم. بالاخره به شما می رسد.

بخش هفتم) جهان های دیگر - گفتار سوم: عالم قیامت

بخش مهمی از معارف قرآن و مسائل اعتقادی آن بر محور مسائل مربوط به قیامت و رستاخیز دور می زند، چرا که مهمترین تاثیر را در تربیت انسان و روند تکامل او دارد.

اعتقاد به عالم پس از مرگ و بقای آثار اعمال آدمی؛ عامل موثری در تشویق به نیکی ها و مبارزه با زشتی هاست.

تاثیرات ایمان به زندگی پس از مرگ در اصلاح افراد فاسد و منحرف و تشویق افراد فداکار، مجاهد و ایثارگر، به مراتب بیش از تاثیرات دادگاه و کیفرهای معمولی است.

در قرآن سرچشمه بسیاری از گناهان فراموش کردن روز جزا ذکر شده است. انسان اگر به قیامت گمانی داشته باشد نیز از انجام بسیاری از اعمال خلاف خود داری می کند. گذشت، ایثار، فداکاری همه بازتاب اعتقاد به زندگی جاویدان سرای دیگر است.

چهره مرگ، برای معتقدان به زندگی پس از مرگ، دریچه ای است به جهانی بزرگ و راهی برای رسیدن به آزادی مطلق.

(اشراط) جمع شرط بروزن شرف، به معنای علامت است بنابراین (اشراط الساعه) اشاره به نشانه های نزدیک شدن قیامت است.

بسیاری معتقدند منظور از اشراط الساعه قیام شخص پیامبر اسلام است آن هم به گواه حدیثی که خود حضرت نقل شده است: بعثت من و قیامت مانند این دو است. و اشاره به دو انگشت مبارکش کرد؛ انگشت اشاره و انگشت وسط که در کنار یکدیگرند.

برخی شق القمر، را نیز جز اشراط الساعه شمرده اند،

رواج بسیاری از گناهان در میان مردم از نشانه های نزدیک شدن قیامت معرفی شده است، چنانکه پیامبر می فرماید: از نشانه های قیامت، برچیده شدن علم و اشکار شدن جهل و شرب خمر، و کثرت زناست.

قیام حضرت مهدی(عج) به عنوان اشراط الساعه شمرده شده است.

ابن عباس می گوید ما با پیامبر اسلام در حجه الوداع بودیم ایشان به سلمان فرمود: از نشانه های قیامت، تضييع نماز، پیروی از شهوات، تمایل به هواپرستی، گرمی داشتن و فروختن دین به دنیاست، در این هنگام است که قلب مومن از این همه زشتی ها که می بیند و بر تغییر آن توانایی ندارد، مانند نمک دراب، در درونش آب می شود. در آن زمان زمامداری ظالم، وزرایی فاسق، کارشناسانی ستمگر، و امنایی خائن بر مردم حکومت میکنند. و امانتدار خیانت می کند، راستگو را تکذیب، دروغ ظرافت، و زکات غرامت، و بیت المال غنیمت محسوب می شود. معاملات با غیبت و رشوه انجام می گیرد، در آن هنگام اغنیای امتم برای تفریح به حج میروند و طبقه متوسط برای تجارت، و فقرای آنها برای ریا و تظاهر.